



درخت‌ها و رودها

درخت‌ها همیشه یادآور مهربانی بوده‌اند؛ سایه درختی که خسته‌ای در پناه آن می‌خوابد، دستان سبزی که پرنده‌ای بر آن آشیانه می‌سازد تا لذت بودن با جوجه‌هایش را تجربه کند، دست سبزی سرشار از میوه و سرشار از عشق که هر آنچه دارد را بی چشمداشت می‌بخشد و ... شکوفه بارانمان کرده‌اند درخت‌ها تا زندگی را زیبا ببینم و با رفتارمان زیبایی بیافرینیم.

همیشه رودها یادآور آواز بوده‌اند؛ آوازی بی‌قرار، بی‌قرار رسیدن به هر آن که زندگی را دوست دارد. سرسبزی و گل‌های زیبای کنار رود، گواه این دوست داشتن و عشق است. ماهی‌ها رقص زیبایشان را از آواز رود دارند و لبخندشان را از مسافری که غبار خستگی‌اش را در زلال رود می‌شوید. خدای درخت‌ها و رودها چه مهربان است که آن‌ها را آفرید تا با وجودشان زیبایی، عشق و دوست داشتن را تجربه کنیم.

بچه‌های عزیز!

برایتان از درخت و رود نوشته‌ام، چون می‌دانم که چقدر قلبتان مهربانی و زیبایی رامی‌شناسد. دوست دارم این بار قلم بردارید و احساساتان را درباره درخت‌ها و رودها بنویسید؛ شعر، داستان، خاطره یا متن ادبی. حتی می‌توانید این طور به موضوع نگاه کنید: «اگر درخت بودم...» یا «اگر رود بودم...»
منتظر نوشته‌هایتان که چون شکوفه درخت و آواز شادان رود است، هستم..
دوستان‌تان: فریبرز لرستانی (آشنا)

ارتباط با صفحه قاصدک کاغذی:

تلگرام: با شماره تلفن ۰۹۱۰۸۸۰۱۶۷۵ یا @aftabmahtab1
ایمیل: aftabmahtab@ettelaat.com

تلفن: ۲۹۹۹۴۵۸۱

آدرس پستی: تهران - بلوار میرداماد
خیابان مصدق جنوبی (نفت جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات - ضمیمه آفتاب مهتاب - کدپستی: ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱

فرهام صفرزاده

۱۱ ساله

معلم‌ها مانند فرشته‌ای هستند که به ما چیزهای زیادی یاد می‌دهند؛ مانند اصول زندگی، تلاش و کوشش برای کشور، تشخیص راه درست از راه غلط، صبر و استقامت و ...



دوست پر تلاش و پر کار من، نوشته‌ات را که با صفای دل مهربانان برای معلم نوشته‌ای خواندم. قدرشناسی تو بسیار ارزشمند است. آفرین. اما تو با ادامه همکاری با قاصدک کاغذی یاد می‌گیری احساسات و افکار ت را نسبت به چیزهایی که دوست داری، هنری و غیر مستقیم بیان کنی. البته این کار نیاز به مطالعه و تمرین بسیار دارد. هر بار که نوشته‌ات تغییر بهتری می‌کند خوشحال می‌شوی و ما را هم خوشحال می‌کنی.
متنی که این بار برای ما فرستاده بودی، بیان مستقیم داشت. شاید اگر خاطره‌ای از معلمت می‌نوشتی، چون آن را تجربه کرده‌ای نوشته‌ات از نظر احساسی و عاطفی تأثیرگذارتر می‌شد. مطالعه کتاب و مجلاتی را که برای بچه‌ها چاپ می‌شود حتماً جزو برنامه‌هایت بگذار.
با هم چند خطی از نوشته‌ات را خواندیم، به امید دریافت اثر بعدی‌ات.



دیبا شجاع - ۹ ساله



سلام، من دیبا شجاع هستم و در شهر اهواز به دنیا آمدم. شهر من خیلی زیباست؛ به ویژه در ایام بهار گردشگران زیادی از جاهای دیدنی و تاریخی اهواز بازدید می‌کنند. ما در تعطیلات عید به آبادان و رامهرمز و روستاهای اطراف اهواز رفتیم. به من خیلی خوش گذشت. من به حیوانات خیلی علاقه دارم و دوست دارم در آینده دامپزشک بشوم و حیوانات را درمان کنم. می‌دانم برای رسیدن به آرزویم باید خیلی تلاش کنم و درس بخوانم.

دیبا جان، به جمع بچه‌های قاصدک کاغذی خوش آمدی. امیدوارم این دوستی سال‌های سال ادامه داشته باشد و در نوشتن آثار ادبی به موفقیت‌های تازه‌ای برسی. نوشته‌ات را که در واقع به نوعی معرفی خودت و خبری از مسافرت تعطیلات عید بود خواندم. تو نثر ساده و روانی داری و جملات نوشته‌ات کوتاه است. این یعنی می‌توانی متن‌های خواندنی و دلنشین بنویسی. آفرین!
هر چه بیشتر با صفحه ما در ارتباط باشی و بررسی آثار دوستان را بخوانی، بیشتر با شیوه‌های نگارش آشنا می‌شوی. چه خوب است با همین نثر ساده چیزهایی را که می‌بینی یا تجربه کردی، توصیف کنی تا نوشته‌ات شکل هنری به خود بگیرد و فقط یک خبر و گزارش نباشد. اگر عضو کتابخانه هستی سعی کن کتاب زیاد بخوانی تا تخیلت پرورش پیدا کند و با کلمات بیشتری آشنا شوی.
با دوستانت قسمت‌هایی از نوشته‌ات را خواندیم و منتظر بقیه کارهایت هستیم.

